



آینه توحید: پیوند حیرت‌انگیز میان «رجا» و «خوف» در مناجات شعبانیه

در میان میراث مکتوب و دعا‌های مأثوره از خاندان وحی و اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم‌السلام)، «مناجات شعبانیه» جایگاهی منحصر به فرد و ممتاز دارد.

در میان میراث مکتوب و دعا‌های مأثوره از خاندان وحی و اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم‌السلام)، «مناجات شعبانیه» جایگاهی منحصر به فرد و ممتاز دارد.

به گزارش خبرنگار مهر، در میان میراث مکتوب و دعا‌های مأثوره از خاندان وحی و اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم‌السلام)، «مناجات شعبانیه» جایگاهی منحصر به فرد و ممتاز دارد. این دعا، فراتر از یک درخواست ساده برای حوائج دنیوی یا اخروی، نجوایی عارفانه با مضامین شامخ و محتوایی قدسی است که گویی از افق‌های برتر وجود بر زبان جاری شده است. اگر فرازهای این مناجات همه جانبه مورد تحلیل و تفسیر قرار بگیرد و سالک با آگاهی از ژرفای عرفانی آن، کلمات را بر زبان جاری سازد، چنان لذت روحی و معنوی عمیقی نصیبش می‌شود که خود را در اوج بهجت و انبساط روحی می‌بیند. این حال خوش، نوری است که در جان می‌تابد و به قدری دلپذیر است که فرد حاضر نمی‌شود آن لحظه نورانی را با هیچ متاع دیگری در عالم عوض نماید. برای درک بهتر این اقیانوس بی‌کران، لازم است پیش از ورود به شرح تفصیلی، نگاهی به کلیات و پیش زمینه‌های معرفتی این مناجات داشته باشیم.

اصالت متن؛ شهادت بر صدور از معصوم

یکی از چالش‌های همیشگی در متون دینی، بررسی سندی و اعتبارسنجی روایان است. اما در مورد مناجات شعبانیه، قاعده‌ای حاکم است که می‌توان آن را «متن، دلیل بر سند» نامید. اگرچه در علم حدیث، هر روایت صحیح الزامی برای عمل ایجاد نمی‌کند (چرا که ممکن است با عقل یا نص صریح قرآن در تعارض باشد) و در مقابل، هر حدیث ضعیف السندی را نیز نمی‌توان فوراً کنار گذاشت، اما مناجات شعبانیه از سنخ آثاری است که محتوایش خود بر حقانیتش گواهی می‌دهد.

سید المراقبین، رضی‌الدین سید بن طاووس در کتاب ارجمند «اقبال الاعمال»، این مناجات را از حسین بن خالویه روایت کرده است؛ شخصی که به تعبیر علامه مامقانی در «تنقیح المقال»، از بزرگان موثق علمای شیعه محسوب می‌شود. با این حال، حتی اگر فرض را بر فقدان سند مکتوب بگذاریم، مضامین ملکوتی و آسمانی این دعا به قدری رفیع است که عقل سلیم نمی‌پذیرد این کلمات از منبعی غیر از چشمه وحی و قلب معصوم صادر شده باشد. همان گونه که خطبه‌های نهج البلاغه با وجود ارسال سندی در برخی بخش‌ها، به دلیل فصاحت و محتوای بی‌نظیر، انتسابشان به امیرالمؤمنین (ع) قطعی است، مناجات شعبانیه نیز با همان منطق، امضای معصوم را در بطن کلمات خود دارد. در واقع، این متن چنان با حقیقت هستی پیوند خورده که خود، بهترین سند برای اثبات صدور آن از ساحت قدسی امام است.

هم آغوشی بیم و امید

بعد دیگری که در مناجات شعبانیه خودنمایی می‌کند، پیوند حیرت‌انگیز میان «رجا» و «خوف» است. روان‌شناسی بندگی در این دعا به گونه‌ای طراحی شده که خواننده را در یک تعادل پویا نگه می‌دارد. از یک سو، امام (ع) چنان بر قصورها و گناهان انگشت می‌گذارد که بنده خود را در آستانه یأس و در میانه آتش عذاب می‌بیند؛ اما درست در همان لحظه که سایه ترس سنگین می‌شود، نوری از دل متن برمی‌خیزد که امید را در جان زنده می‌کند.

این توازن در فراز مشهوری از دعا به اوج می‌رسد: «الهی ان اخذتني بجرمي اخذتك بعفوك...». امام در اینجا به ما می‌آموزد که چگونه با خدا سخن بگوییم. این یک نوع «ناز عارفانه» در عین «نیاز بنده» است. بنده می‌گوید: خدایا! اگر مرا به جرمم بازخواست کنی، من دست به دامن عفو تو می‌شوم. این جسارت عاشقانه، ریشه در معرفت به رحمت واسعه الهی دارد. اوج این معنا در این عبارت نهفته است که: «اگر مرا به آتش ببری، به اهل آنجا اعلام خواهم کرد که تو را دوست دارم». این جمله، مرزهای خوف و رجا را جابه‌جا می‌کند و نشان می‌دهد که حتی در سخت‌ترین شرایط، پیوند محبت میان خالق و مخلوق گسستنی نیست و همین محبت، بزرگترین پناهگاه بنده است.

زبان مشترک اهل فراق و اهل وصال

مناجات شعبانیه به لحاظ مخاطب شناسی، دعایی جامع است که هم حال «سالکان مبتدی» را در نظر دارد و هم احوال «واصلان منتهی» را. به طور کلی، مناجات کنندگان در پیشگاه حق به دو دسته تقسیم می شوند:

نخست، کسانی که در آتش فراق می سوزند. اینان به دلیل گناهان و لغزش ها، احساس دوری و شرمندگی می کنند و با گریه و ابتهاج می کوشند فاصله ایجاد شده بین خود و خدا را کم کنند. زبان این گروه، زبان توبه، انابه و درخواست نادیده گرفتن تقصیرات است.

دسته دوم، کسانی هستند که به مقام وصال رسیده اند. ببقارای این گروه نه از ترس عذاب، بلکه از هیبت عظمت و ترس از دست دادن آن لذت حضور است. آن ها در اوج ابتهاج هستند و می خواهند این پیوند، مستحکم تر و ابدی شود

شگفتی مناجات شعبانیه در این است که امام علی (ع) در حالی که خود در قله وصال قرار دارد، کلمات را میان این دو زبان (فراق و وصال) به گردش درمی آورد. ایشان گاهی با زبان اهل فراق می فرمایند: «الهی والحقنی بنورک عزک الابهج...»؛ یعنی مرا به پرفروغ ترین عزت متصل فرما تا فقط تو را بشناسم و از غیر تو روی گردانم. این درخواست اتصال، نشان دهنده شوق بنده برای رفع موانع و رسیدن به قرب است.

کمال انقطاع؛ غایت آمال عارفان

اما در فرازهای پایانی، آهنگ مناجات دگرگون می شود و به اوج عرفان ناپ می رسد. در اینجا سخن از «کمال انقطاع» است؛ مقامی که در آن بنده تمام تعلقات سفلی خود را رها کرده و چشمان دلش به نور الهی روشن می شود. عبارت «الهی هب لی کمال الانقطاع الیک» درخواستی برای یک جراحی معنوی است تا هر چه غیر از خداست از قلب خارج شود.

در این مرتبه، امام (ع) از خداوند می خواهد که دیدگان دل، حجاب های نور را بشکافند. دقت کنید که سخن از حجاب های ظلمانی نیست، بلکه حتی «حجاب های نورانی» (که همان کمالات و مقامات میانی هستند) نیز باید در نور دیده شوند تا روح به «معدن عظمت» متصل گردد. این تصویر که ارواح ما به «عز قدس» الهی آویخته شوند، ترسیم گر بالاترین درجه کمال انسانی است؛ جایی که بنده در جلال و جمال پروردگار فانی شده و به بقای بالله می رسد.

در نهایت، مناجات شعبانیه راهنمایی است که انسان را از حسیض مادی گرایی و سنگینی گناه، به اوج عز قدس و اتصال به منبع بی پایان عظمت هدایت می کند. این دعا، نه فقط برای خواندن در ماه شعبان، بلکه منشوری برای زندگی مؤمنانه و عارفانه در تمام فصول عمر است تا جان آدمی همواره میان خوف از خود و رجا به خدا، در مسیر کمال پرواز کند.